بررسی تأثیر باور به معاد در جهان بینی و زندگی پیش از مرگ

# زندگی در ساعت ۲۵

[محمدآصف عطایی]

از جمله اصول ارزشمندی که زندگی در این دنیای خاکی و مملو از درد، رنج و مشکلات را برای انسان، سهل و آسان می نماید، ایمان و اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ است. لاهیجی می گوید: «لفظ معاد در لغت به معنای بازگشتن انسان است و مراد از معاد در شرع، بازگشتن انسان است بعد از موت به حیات به جهت یافتن جزای عملی که پیش از موت از او صادر شده باشد از نیک و بد.»(۱) چنان که قرآن می فرماید: «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنا تُرْجَعُونَ»(۲) هر نفسی، طعم مرگ را می چشد و آن گاه به سوی ما بازگشت داده می شود.»

پدیده مرگ و مردن، از امور مسلم و قطعی است که همه انسان ها، آن را باور داشته و یقین دارند که روزی عمرشان به پایان خواهد رسید. ولی در اینکه پس از مرگ و مردن چه خواهد شد و حوادث بعدی آن، چگونه خواهد بود؟ دیدگاه ها متفاوت و نظریه ها مختلف است.

عده ای، مرگ را پایان همه چیز می دانند و بر این باورند که با آمدن مرگ، پرونده انسان، برای همیشه، مختومه اعلام و به بایگانی سپرده شده و جسد او نیز به موجودی بی جان، مثل سنگ و چوب، تبدیل می شود. قرآن کریم می فرماید: «وَ إِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذا كُنّا تُراباً أَإِنّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَ أُولئِكَ الْأَغْلالُ فِي أَعْناقِهِمْ وَ أُولئِكَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ»(۳) و اگرا ز چیزی [ تعجب می کنی، عجیب، گفتار آنهاست که می گویند: آیا هنگامی که ما خاک شدیم، [ بار دیگر زنده می شویم و] به خلقت جدیدی باز می گردیم؟ آنها کسانی هستند که به پروردگارشان، کافر شده اند و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است و آنها اهل دوزخ اند و جاودانه در آن خواهند ماند.»

در طرف دیگر، خیلی از انسان ها، مرگ را پایان زندگی در دنیا و آغاز زندگی در عالم دیگر می دانند، مرگ را وسیله و مرکبی می دانند که انسان را از یک منزل به منزل دیگر و از یک عالم به عالم دیگر، انتقال می دهد. به جرأت می توان گفت که نوع نگاه به پدیده مرگ و حوادث پس از آن، تأثیر مستقیم بر نوع و کیفیت زندگی انسان در عرصه های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خواهد داشت.

قرآن کریم از زبان این دسته می فرماید: «رَبَّنا إِنَّكَ جامِعُ النّاسِ لِيَوْمٍ لا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللّهَ لا يُخْلِفُ الْمِيعادَ»(۴) پروردگارا! تو مردم را برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند از وعده خود، تخلف نمی کند.»

**آثار ایمان به معاد**

بنا بر آنچه گفته شد، ایمان واعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ، آثار فراوانی در زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان ها داشته و دارد که به چند مورد مهم آن اشاره می شود:

**۱) انگیزه در زندگی و نجات از پوچی**

نخستین اثر ارزشمند ایمان و اعتقاد به معاد، نجات انسان از سردرگمی در زندگی دنیا است. به عبارت دیگر کسانی که حیات انسان را در زندگی چند روزه دنیا، خلاصه می کنند، در واقع انگیزه و تفسیری برای زندگی دنیا، جز خوردن و خوابیدن و کارکردن، ندارند و همین امر باعث می شود احساس پوچی کنند و نیرو و مقاومت در برابر سختی ها و مشکلات را از دست دهند؛ لذا در بسیاری از موارد، برای نجات و رهایی از زندگی تکراری و رهایی از درد و رنج و مشکلات آن، دست به انتحار و خودکشی زده و آن را بهترین راه برای پایان دادن به سختی ها می دانند و می گویند، «وَ قالُوا ما هِيَ إِلَّا حَياتُنَا الدُّنْيا نَمُوتُ وَ نَحْيا وَ ما يُهْلِكُنا إِلَّا الدَّهْرُ وَ ما لَهُمْ بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ»(۵) آنها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیا در کار نیست؛ گروهی از ما می میرند و گروهی جای آنها را می گیرند و جز طبیعت و روزگار، ما را هلاک نمی کند. آنان به این سخن علم ندارند بلکه تنها حدس می زنند.»

سایه شوم احساس پوچی، اضطراب، افسردگی و ناامیدی، قدم به قدم زندگی افرادی را که ایمان و اعتقاد به حیات پس از مرگ ندارند، دنبال می نماید و اجازه نمی دهد لقمه ای از گلوی آنان پایین رود. طبق آمار و ارقامی که از طریق رسانه های جمعی، اعلام می شود، مردم ژاپن، بالاترین رقم خودکشی را دارند. کشوری که از لحاظ پیشرفت صنعت و سرمایه، بازار خود را قبضه کرده و حرف اول را در مسائل سیاسی و اقتصادی می زند، چه شده است که خودکشی در بین مردم آن، آمار بالایی را به خود اختصاص داده است؟ آیا جز احساس پوچی و نداشتن هدف و ناامیدی و افسردگی در زندگی، دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

اما کسانی که اعتقاد به حیات پس از مرگ داشته، زندگی در این دنیا را هدفمند و هدف را خیر و سعادت انسان می دانند، تلخی و مشکلات زندگی دنیا را برای رسیدن به اهداف عالی تر و حیات جاوید، با جان و دل می پذیرند.

قرآن کریم می فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنا لا تُرْجَعُونَ»(۶) آیا گمان کردید که شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی گردید.» افراد مؤمن و معتقد به حیات پس از مرگ، در برابر بزرگ ترین مصیبت های خردکننده، قامت راست نموده، می گویند: «إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ»(۷) ما از خدا هستیم و به سوی خدا باز می گردیم.» و بر این باور و اعتقاد هستند که ثمره و محصول عبادت و بندگی را در عالم پس از مرگ، دریافت خواهند نمود.(۸) لذا زندگی را هدف دار و هدف را خیر و سعادت انسان می دانند که در سایه عبودیت و بندگی فراهم می شود.

**۲) آرامش روحی ـ روانی**

زندگی در این دنیای خاکی، در کنار خوشی ها و شیرینی ها، رنج ها و شکست هایی نیز دارد. پاره ای از حوادث جهان، مانند پیری و مرگ، قابل پیشگیری و درمان نبوده و انسان را رنج می دهد و متأثر می سازد؛ ولی ایمان به خدا و اعتقاد به حیات پس از مرگ، رنج و سختی این جهان را تفسیر نموده، نیرو و مقاومت انسان را در برابر سختی ها و مشکلات، افزایش می دهد و اضطراب و نگرانی را از بین برده، آرامش را برای انسان، هدیه می نماید؛ زیرا انسان مؤمن و معتقد به معاد، یقین دارد که اعمال خوب و بد او، در دستگاه آفرینش و دفتر خلقت، دقیقاً محاسبه خواهد شد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ»(۹) و می داند که اجر و پاداش اعمال انسان های نیکوکار، نه تنها ضایع نمی شود: «إِنَّ اللّهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ خدا کس کار بد بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نشود.»

هرگاه انسان با چنین اعتقاد و باوری در برابر حوادث تلخ وطاقت فرسای زندگی، قرار می گیرد از نظر روحی و روانی، آشفته و پریشان نمی شود بلکه با کمال متانت و استواری در برابر سیل حوادث اندوهناک می ایستد و می گوید: «قُلْ لَنْ يُصِيبَنا إِلَّا ما كَتَبَ اللّهُ لَنا»(۱۲) به ما جز آنچه خدا برایمان، مقدر کرده است، نخواهد رسید.»

بنابراین، ایمان به خدا و اعتقاد به حیات پس از مرگ، به روح و روان انسان، آرامش می بخشد، رفتار و گفتار او را در خانواده و اجتماع، متعادل ساخته و کنترل می کند و اگر از مال و مقام دنیا، چیزی به دست آورد، به آن دل نمی بندد و اگر هم از مال و مقام دنیا، جدا شود، باز هم اندوه و غصه ای ندارد: «لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى ما فاتَكُمْ وَلا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ وَ اللّهُ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ»(۱۳) تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید و خدا هیچ خود پسند فخر فروشی را دوست ندارد.»

**۳) کنترل غرایز**

در درون انسان، غرایز فراوانی مثل: غرایز جنسی، شهوت طلبی، ریاست طلبی، ثروت اندوزی و ... وجود دارد که اگر کنترل شود و حدود و قلمرو آن، مشخص نگردد، باعث هرج و مرج خواهد شد، شالوده و اساس زندگی را به هم می ریزد و آسایش و آرامش را نابود خواهد ساخت. ایمان به خدا و اعتقاد به معاد و حساب و کتاب آن، عامل بازدارنده مهمی است که می تواند خواسته ها و غرایز انسان را تعدیل و کنترل نموده و آن را در جهتی که خدا می خواهد، هدایت نماید.

کسی که اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ

**کسانی که اعتقاد به حیات پس از مرگ داشته، زندگی در این دنیا را هدفمند و هدف را خیر و سعادت انسان می دانند، تلخی و مشکلات زندگی دنیا را برای رسیدن به اهداف عالی تر و حیات جاوید، با جان و دل می پذیرند**

داشته و یقین دارد که تمام اعمال و رفتار و حتی نیات او زیر ذره بین دستگاه خلقت، قرار دارد، مسلماً در زندگی خود، حساب و کتابی خواهد داشت و لجام گسیخته، عمل نخواهد کرد؛ زیرا به خوبی می داند که اعمال و رفتار او، نه تنها ثبت و ضبط می شود بلکه کیفیت و چگونگی زندگی پس از مرگ او را رقم می زند؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَةِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنا بِها وَ كَفى بِنا حاسِبِينَ»(۱۴) ما ترازوهای عدل را در روز قیامت بر پا می کنیم پس به هیچ کسی، کمترین ستمی نمی شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل [ کار نیک و بدی ] باشد ما آن را حاضر می کنیم و کافی است که ما حساب کننده باشیم.»

در آیه دیگر، قرآن کریم از زبان حضرت لقمان، خطاب به فرزندش می فرماید: «يا بُنَيَّ إِنَّها إِنْ تَكُ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّماواتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِها اللّهُ إِنَّ اللّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»(۱۵) پسرم اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی [کار نیک و بد] باشد و در دل سنگی و یا در [گوشه ای از] آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را [در قیامت برای حساب] می آورد، خداوند دقیق و آگاه است.»

همچنین می فرماید:(۱۶) «کافران گفتند: قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد بگو: آری به پروردگارم سوگند که به سراغ شما خواهد آمد. خداوندی که از غیب، آگاه است و به اندازه سنگینی ذره ای در آسمان و زمین، از علم او دور نخواهد ماند و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر، مگر اینکه در کتابی آشکار ثبت است.»

امام علی (ع) نیز برای اصلاح و تربیت نفس، از اهرم اعتقاد به آخرت استفاده می کند. این اهرم به قدری قوی است که گاه بزرگانی مانند همام با شنیدن خطبه متقین، قالب تهی می کنند.

امام علی (ع) بعد از تلاوت سوره تکاثر فرمود: «شب یا روزی که رخت سفر مرگ در آن بسته اند، برای آنان جاودانه شده، خطرات آن جهان را وحشتناک تر از آنچه می ترسیدند، یافتند و نشانه های آن را بزرگ تر از آنچه در نظر داشتند، مشاهده کردند. برای وصول به هر یک از دو نتیجه بهشت و یا جهنم، تا محل قرار گاهشان، مهلت داده شده و عالمی از بیم و امید، برایشان فراهم ساخته اند. اگر می خواستند آنچه را که در آنجا، مشاهده کرده اند و یا چشم دیده اند، توصیف کنند، زبانشان عاجز می شد.»(۱۷)

ابن ابی الحدید در ذیل این خطبه، می نویسد: « سوگند می خورم به آن کسی که همه امت ها به او سوگند می خورند! از پنجاه سال قبل تا کنون، بیش از هزار بار این خطبه را خوانده ام. هر وقت آن را خواندم، در من ترس و موعظه ای پدید آورد و در قلب و روحم وحشتی، و در اعضا و جوارحم، لرزه و وارفتگی، احساس کردم و هیچ گاه در آن دقت نکردم جز اینکه به یاد مردگان از بستگان و نزدیکان و دوستانم افتادم و پیش خود فکر می کردم که من همان شخصی هستم که امام حالش را توصیف می کند.»(۱۸)

در روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده است می خوانیم: «مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا مرگ، گناهان را پاک می کند و میل و رغبت به دنیا را، کاهش می دهد.»(۱۹) امام صادق (ع) نیز می فرماید: «یاد مرگ، شهوت ها را در نفس، از بین می برد و ریشه های غفلت را نابود ساخته، دل را با وعده های الهی، محکم می کند و نشانه های هوا و هوس را درهم می شکند.»(۲۰)

با توجه به مطالب یاد شده، به خوبی روشن می گردد که اعتقاد به حیات پس از مرگ و حوادث آن، قوی ترین عاملی است که می تواند شهوات حیوانی انسان را به زنجیر کشیده، کنترل و تعدیل نماید.

**۴) امنیت اقتصادی**

یکی دیگر از آثار ارزشمند اعتقاد به حیات پس از مرگ، سلامت و امنیت در عرصه های اقتصادی است. کسی که یقین دارد پس از مرگ، حساب و کتابی در کار است و انسان در برابری اعمال و رفتار خویش، مورد مؤاخذه قرار می گیرد، دست و پای خود را در زندگی دنیوی جمع می کند و دزدی، رشوه، اختلاس، کلاهبرداری، غش در معامله، چشم طمع به مال دیگران، و در یک کلام، لقمه حرام را کنار گذاشته و از زندگی خود طرد حرام می نماید.

کسی که ایمان به آخرت داشته باشد، در معامله و خرید و فروش، عدالت را رعایت کرده، خیانت و کم فروشی نمی کند؛ چون می داند کم فروشی و خیانت در معامله، سرانجام خوشی ندارد: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتالُوا عَلَى النّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذا كالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ، أَلا يَظُنُّ أُولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ»(۲۱) وای بر کم فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند، اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند؛ آیا آنها گمان نمی کنند که در روز بزرگ برانگیخته می شوند.»

افراد و اشخاصی که ایمان و اعتقاد به حیات پس از مرگ داشته باشند، برای کمک به انسان های بینوا و مستضعف، هیچ شرطی تعیین نکرده و خودش ربا را گناه بزرگ و نابخشودنی می داند: «کسانی که ربا می خورند، [در قیامت] بر نمی خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده است [ و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند. گاهی زمین می خورد و گاهی بلند می شود ] این به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ربا است [ و تفاوتی میان آن دو وجود ندارد] در حالی که خدا، بیع را حلال کرده و ربا را حرام. و اگر کسی اندرز الهی به او رسد و خودداری کند، سودهایی که در سابق به دست آورده، مال اوست و کار او به خدا واگذار می شود؛ اما کسانی که باز گردند [ و بار دیگر مرتکب این گناه شوند]، اهل آتش اند و همیشه در آن می مانند.»

کسی که به معاد ایمان دارد، دست به سوی مال یتیم دراز نمی کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتامى ظُلْماً إِنَّما يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ ناراً وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيراً»(۲۲) کسانی که اموال یتیم را به ظلم و ستم می خورند، [ در حقیقت] تنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش [دوزخ] می سوزند.»

از پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز نقل شده است که: «انسان در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی دارد تا این که از چهار چیز، مورد سؤال واقع شود ... و از مالش که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج نموده است».(۲۳)

در جامعه ای که آحاد آن، به حیات پس از مرگ، باور دارند، دزدی و تجاوز به مال مردم، وجود نخواهد داشت چرا که دزدی و تجاوز، علاوه بر عذاب اخروی، در دنیا نیز مجازات سختی دارد؛ دست دزد قطع و رویش سیاه می شود: «وَ السّارِقُ وَ السّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً مِنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»(۲۴) دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است.»

در جامعه ای که دزدی، تجاوز به مال یتیم، و ربا خواری، وجود نداشته باشد و مردم در خرید و فروش، و در وزن و کیل، عدالت را رعایت نمایید و به یکدیگر خیانت نکنند، امنیت اقتصادی به معنی واقعی کلمه به وجود خواهد آمد.

**۵) سلامت اجتماعی**

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند است و چاره ای ندارد جز اینکه در سایه تعاون و همکاری با دیگران، نیازها و مایحتاج زندگی را برآورده سازد. اگر در روابط اجتماعی انسان، برخورد اسلامی و انسانی وجود نداشته باشد و هر کسی به فکر خود و منافع خویش باشد، جامعه گرفتار هرج و مرج خواهد شد. جان، مال، حیثیت و آبروی انسان ها در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

اما افراد و اشخاصی که به حیات پس از مرگ، ایمان و اعتقاد دارند، هیچ گاهی پا را از دایره قانون الهی، فراتر نمی گذارند؛ چرا که می دانند تعدی و سرپیچی از قوانین الهی، گناه و معصیت است و عواقب دردناکی به دنبال دارد. خدای سبحان در سوره توبه آنجا که ویژگی مؤمنان را بیان می نماید، در کنار صفات دیگر، رعایت حدود و قوانین الهی را گوش زد نموده، می فرماید: « ... الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ»(۲۵) ...[آنان] آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود [ ومرزهای الهی ] هستند.»

خدای سبحان در سوره نسا، پس از بیان یک سلسله احکام و دستورات، می فرماید: «اینها مرزهای الهی است و هر کس خدا و رسولش را اطاعت کند [ و قوانین او را محترم بشمرد]، خداوند او را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن می مانند و این پیروزی بزرگی است. و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند و برای او مجازات خوار کننده ای است.» بنابر این، کسی که ایمان و اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ داشته و از نعمت های فراوان بهشتی، آگاهی دارد، و از سوی دیگر از عذاب و گرفتاری دردناک جهنم که خدای سبحان، برای انسان های متخلف از قوانین، وعده داده است، اطلاع دارد، جرأت مخالفت با احکام الهی را در خود نمی بیند.

از مجموع مطالبی که بیان شد، این نتیجه به دست می آید که ایمان و اعتقاد به معاد و حیات پس از مرگ، زندگی در این عالم پر از درد و رنج را هدفمند می نماید. آرامش روحی و روانی (که بزرگ ترین نعمت به حساب می آید) را برای انسان به ارمغان آورده، غرایز و خواسته های او را تعدیل و کنترل، و در جهت درست، هدایت کرده، سلامت و امنیت در عرصه های اقتصادی را، تضمین نموده و بسیاری از نابسامانی های اجتماعی را سر و سامان داده، باعث سلامت فرد و جامعه می شود.

[منابع در دفتر روزنامه موجود است]

**در روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده است «مرگ را بسیار یاد کنید؛ زیرا مرگ، گناهان را پاک می کند و میل و رغبت به دنیا را، کاهش می دهد.»**

تسنیم

## ارزش انسان

**یا أَیُّهاالنّاسُ إِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقیکُمْ إِنَّ اللّهَ عَلیمٌ خَبیرٌ؛**

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

**(الحجرات/۱۳)**

[مهدی ملک محمدی]

۱- فرض کنید همه انسان ها یک شکل و یک زبان بودند. همه یک کار داشتند و یکسان می اندیشیدند، و هیچ کس قابل شناسایی نبود. چه رخ می داد؟ انسان هیچ پیشرفتی نداشت و اساساً زندگی اجتماعی شکل نمی گرفت. وجود انسان های مختلف با استعداد ها و سلیقه های گوناگون و نژادهای متفاوت از بزرگترین نعمت های خداوند به بشر است.

۲- هر انسانی خواهان آن است تا یک سر و گردن از دیگران بالاتر قرار گیرد و دست کم در زمینه ای از همتایان خود پیشی بگیرد. هر کس هم برای خود معیاری دارد و آن را نشانه پیروزی و برتری خود می داند. در عموم انسان ها، دلبستگی به دنیا سبب می شود تا شرافت و کرامت خود را در بهره مندی های دنیوی دیده، و مال، استعداد، زیبایی، نسب، خانوادگی، نژاد و . . . را ملاک برتری خویش بدانند. بر اساس دیدگاه قرآن انتخاب رنگ، نژاد و کشور در اختیار انسان نیست و به همین سبب معیار کرامت شمرده نمی شود. این گونه اختلاف ها، تنها معیار شناخته شدن انسان ها و شکل گیری زندگی بشری است.

برتری انسان در افعال اختیاری او مشخص می گردد.

۳- قرآن کریم معیار اصیل کرامت را بر پایه سعادت حقیقی و زندگی پاک و جاودان ارائه می دهد و همه انسان ها را با تمام اختلاف های فرهنگی، جغرافیایی و سلیقه ای به یک اصل فرا می خواند: «آن کس که شما را آفرید، معیار فضیلت را تقوای شما می داند؛ این که بنده او باشید و با انجام خواسته های او، در مسیر خشنودی اش گام بردارید.»

۴- خداوند، انسان ها را در زیر پرچم وطن خواهی، نژاد پرستی و چسبیدن به معیارهای زودگذر دنیوی نمی خواهد و از آنان دعوت می کند تا زیر لوای خداپرستی و تقوای او گرد آیند. البته این سخن بدین معنا نیست که قرآن به کلی همه چیز را به کناری نهد و فقط بگوید: تقوا. دین اسلام و همه ادیان الهی، چنان که گفتیم اختلاف های بشری را به رسمیت شناخته اند و بر اساس آیه بالا، گوناگونی رنگ و نژاد و کشور، نعمتی مهم قلمداد شده است. با این حال، گمان این که این ها مایه برتری و فخر آدمی است، تصوری غیر الهی و جاهلانه شمرده می شود. مضمون حدیثی از امام سجاد (ع) چنین است: «تعصبی که سبب گناه شود آن است که فردی بَدان قبیله خود را از خوبان قبیله دیگر بهتر بداند و قوم خویش را در راه ستمگری یاری رساند؛ وگرنه دوست داشتن قبیله تعصبی نایسند نیست.»

۵- بر اساس ملاکی که قرآن ارائه می دهد همه بشریت می توانند در زیر پرچم توحید و تقوا گرد هم آیند و در این صورت جایی برای دشمنی و کینه توزی و جنگ های خونین باقی نمی ماند.

Tasnim136086@yahoo.com

قرآن پژوهی

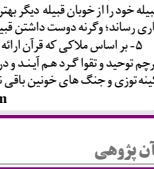

## معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی

سایه ها و لایه های معنایی: درآمدی بر «نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری» برای دومین بار توسط بوستان کتاب قم منتشر شد.

این کتاب در ۴ بخش تنظیم شده است. بخش اول با عنوان مبانی زبان شناختی به ماهیت و سرشت زبانی وحی قرآنی، معناداری زبان قرآن، دیدگاه خاص هرمنوتیک قرآن، قرآن و واژگان زبان عرب، قواعد دستوری و غیره می پردازد.

بخش دوم مبانی قرآن شناختی است که به سلامت، مبین بودن، جاودانگی و حکیمانه بودن قرآن اشاره دارد.

در بخش سوم تحت عنوان مبانی سنت شناختی، نقش سنت در تفسیر قرآن و روش شناسی تفسیر قرآن و اعتبار روایات تفسیری را در بر می گیرد.

در بخش چهارم که نتایج و نمونه ها است، نمونه هایی از عمومات و اطلاقات لفظی و معنایی، نمونه هایی از دلالت بخش ها بر مرتبه ظاهری و باطنی و حکم حقوقی و حقیقی و حکم تکلیفی و وضعی آورده شده است.

انتشارات بوستان کتاب قم در مورد این کتاب آورده است: در قرآن کریم ممکن است هر پاره و جمله ای، مستقل از مفادی که در کنار سایر بخشهای آیه دارد، مفید معنای مستقل دیگری هم باشد. این نظریه ای است که از عبارتهای کوتاهی در «المیزان» اثر علامه طباطبایی الهام گرفته شده و به شواهد روایی فراوان و قابلیتهای معنایی بخشهای مختلف آیات قرآن متکی است. نظریه فوق، عرصه تازه و بدیعی را در مباحث وجوه القرآن، تأویل و باطن می گشاید.

در مقدمه کتاب به قلم محمد اسعدی آمده است: «معناشناسی» در این عنوان، نه صرفاً متوجه رویکرد خاص معناشناسی (سمانتیک) در اصطلاح برخی دانشمندان اخیر، مانند ایزوتسو است و نه تن ها مرتبه ویژه ای از دریافت و استنباط پیام از آیات، نظیر مفاد تنزیلی یا تأویلی است، بلکه ناظر به معنای عام آن است که همان جست وجو و کشف مدلول و مفاد بخشهای قرآنی، بر پایه دلالتهای متعارف زبانی، از یکسو و ویژگیهای خاص زبان قرآن، از سوی دیگر است که هم معانی تنزیلی و ظاهری را شامل می شود و هم معانی تأویلی و باطنی را، هم معانی حقیقی را در برمی گیرد و هم معانی مجازی را، هم بر مقاصد و مرادات مستقیم گوینده ناظر است و هم بر دلالتهای ضمنی و التزامی که می توان به یک سخن نسبت داد. از این رو، گستره بحث ما محدود به حوزه خاصی از دلالتهای قرآنی نیست.

این بحث که، معناشناسی مستقل را درباره بخشهای قرآنی و نه صرفاً تک واژه ها دنبال میکند و طبعاً به توسعه وجوه معنایی آنها می انجامد، می تواند ارائه کننده افقی تازه در مبحث کهن «وجوه القرآن»، از مباحث مهم علوم قرآنی باشد. افزون بر این، به همین علت، جلوه های جالب از اعجاز و شگفتی بیان قرآنی را نمایش دهد.

انتشارات بوستان کتاب قم «سایه ها و لایه های معنایی» را در ۴۵۲ صفحه، قطع وزیری با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و بهای ۵۲۰۰۰ ریال در اختیار علاقه مندان قرار داده است.